

بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گریزی و راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر آراء استاد مطهری

نجم السادات الحسینی^۱

طیبه ابراهیمی^۲

اعلی تورانی^۳

چکیده

شناخت عوامل مؤثر بر باور دینی از جنبه‌های مختلف معرفتی و غیر معرفتی، نقش مهمی در تبیین دلایل گرایش یا گریز از دین دارد. در این پژوهش، با تکیه بر آرای استاد مرتضی مطهری، ابعاد مختلف این عوامل بررسی شده است. عوامل معرفتی شامل توانایی دین در ارائه پاسخ‌های عقلانی به مسائل اساسی، رفع نیازهای فکری و انسجام مفاهیم دینی است. در مقابل، برخی موانع غیر معرفتی مانند سخت‌گیری‌های افراطی در مسائل دینی، محیط اجتماعی نامساعد، عملکرد نادرست مبلغان دینی و عدم تطبیق شیوه‌های تربیتی با مقتضیات زمان، می‌توانند موجب کاهش گرایش به دین شوند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، با بررسی آثار شهید مطهری نشان می‌دهد که در کنار مبانی عقلی و معرفتی، توجه به عوامل غیر معرفتی نیز برای حفظ و تقویت باور دینی ضروری است. استاد مطهری بر اهمیت تربیت مبتنی بر تقوا، ترویج آزاداندیشی، احترام به عقل و تقویت روح حقیقت‌جویی تأکید کرده و این موارد را به عنوان راهکارهایی برای مقابله با دین‌گریزی مطرح کرده است. این مطالعه بر ضرورت رویکردی جامع در بررسی دین‌داری و دین‌گریزی تأکید داشته و تأثیر تعامل این دو دسته از عوامل را بر شکل‌گیری باور دینی مورد توجه قرار داده است.

کلید واژه‌ها: معرفت‌شناسی، عوامل معرفتی و غیر معرفتی، گریز از دین، باور دینی، مادی‌گرایی.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان تهران، پردیس نسیمه (نویسنده مسئول). n.alhosseini@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان تهران، پردیس نسیمه؛ Ebrahimi.t@cfu.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران؛ torani@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

۱. مقدمه

مسئله دین‌گریزی و عدم شکل‌گیری باور دینی از مهم‌ترین چالش‌های معرفتی و اجتماعی در جوامع مختلف است. این پدیده می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی، اعم از معرفتی و غیرمعرفتی، قرار گیرد. در حوزه معرفتی، یکی از مباحث مهم، امکان یا عدم امکان معرفت دینی است که در فلسفه دین مطرح می‌شود. این بحث ناظر بر این است که آیا انسان می‌تواند به شناختی معتبر از حقایق دینی دست یابد یا خیر. در مقابل، در حوزه معرفت‌شناسی، برخی مکاتب شکاکانه هرگونه معرفت را، اعم از دینی و غیردینی، مورد تردید قرار می‌دهند. این دو مسئله، یعنی امکان معرفت دینی در فلسفه دین و شکاکیت در معرفت‌شناسی، گرچه ارتباطاتی با یکدیگر دارند، اما دو مقوله مستقل محسوب می‌شوند که نباید با یکدیگر خلط شوند. شهید مطهری در آثار خود، از یک‌سو به نقد مکاتب شکاکانه در معرفت‌شناسی پرداخته و امکان معرفت را اثبات کرده است، و از سوی دیگر، امکان معرفت دینی را مورد بررسی قرار داده است. وی بر این باور است که عقل و وحی، به‌عنوان منابع معتبر معرفت، می‌توانند پاسخگوی نیازهای فکری انسان باشند و تردیدهای مطرح‌شده درباره شناخت دینی را رفع کنند. در عین حال، ایشان معتقد است که علاوه بر مباحث نظری، عوامل غیرمعرفتی همچون شرایط اجتماعی، تربیتی، و عملکرد نادرست مبلغان دینی نیز در دین‌گریزی افراد تأثیر گذارند. در این پژوهش، با تأکید بر آراء استاد مطهری، ابتدا عوامل معرفتی مؤثر بر باور دینی، از جمله پاسخگویی دین به نیازهای عقلانی و نقد دیدگاه‌های شکاکانه، بررسی می‌شود. سپس، عوامل غیرمعرفتی، همچون تأثیر محیط اجتماعی، عملکرد نهادهای دینی، و تربیت نادرست، تحلیل می‌گردد. در نهایت، راهکارهایی برای تقویت باور دینی و مقابله با دین‌گریزی ارائه خواهد شد. این پژوهش می‌کوشد با تفکیک دقیق این دو حوزه، تصویری روشن از علل دین‌گریزی و راهکارهای مواجهه با آن ارائه دهد.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع تأثیر عوامل معرفتی و غیرمعرفتی بر باور دینی از مباحث کلیدی در حوزه

۳۵ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی موثر بر دین‌گزینی و ...

معرفت‌شناسی است که تاکنون مورد توجه فیلسوفان و متفکران مختلف قرار گرفته است. در میان اندیشمندان مسلمان، شهید مرتضی مطهری از معدود متفکرانی است که به این موضوع پرداخته و تأثیر عوامل غیر معرفتی را در باور دینی مورد توجه قرار داده است. ایشان با نگاه انتقادی به مکاتب معرفتی غربی، همچون شکاکیت و ماتریالیسم دیالکتیک، تلاش کرده است مبانی باورهای دینی را با استناد به اصول عقلانی و معنوی تبیین کند. با این حال، عوامل غیر معرفتی در آثار مطهری به صورت مستقیم و با عناوین مشخص بررسی نشده‌اند، بلکه به طور ضمنی و پراکنده در آثار مختلف ایشان به این عوامل اشاره شده است. از میان پژوهش‌های مرتبط با موضوع، آثار متعددی به تحلیل کلی اندیشه‌های مطهری در باب معرفت‌شناسی پرداخته‌اند، از جمله: احمد شه‌گلی، و احسان کردی اردکانی. در مقاله‌ای با عنوان «نقش عوامل غیر معرفتی موثر در شکل‌گیری معرفت براساس دیدگاه ابن‌خلدون و استاد مطهری». به مقایسه افکار دو متفکر پرداختند و همچنین رضا جلالی و محمد ترابی در مقاله‌ای با عنوان «معرفت‌شناسی باور دینی از دیدگاه استاد مطهری و تأثیر آن بر نسبت دین و سیاست»، معرفت‌شناسی باور دینی را در اندیشه سیاسی شهید مطهری، با تأکید بر نسبت دین و سیاست، بررسی نمودند. اما همانطور که بیان شد. پژوهش‌هایی که به طور خاص به تأثیر عوامل غیر معرفتی بر باور دینی در دیدگاه ایشان توجه کرده باشند، اندک است. این خلأ پژوهشی اهمیت بررسی حاضر را دوچندان می‌کند. تحلیل عوامل غیر معرفتی نظیر محیط اجتماعی، اخلاق، تربیت، و نقش متولیان دین در آثار مطهری می‌تواند به فهم عمیق‌تری از دلایل گرایش یا گریز از دین در جوامع معاصر کمک کند و به ارائه راه کارهای عملی برای تقویت باورهای دینی منجر شود. این مقاله در بررسی عمیق و ساختارمند عوامل غیر معرفتی تأثیرگذار بر دین‌گزینی، برای نخستین بار با استفاده از آثار شهید مطهری به تبیین عوامل غیر معرفتی مانند سخت‌گیری دینی، محیط اجتماعی نامساعد، و نقش مبلغان دینی غیر متخصص پرداخته و این موضوعات را با رویکردی تحلیلی بررسی کرده است. همچنین، تمرکز بر راهکارهای عملی برای مقابله با این عوامل، مقاله را از صرف تحلیل نظری به ارائه راه‌حل‌های کاربردی ارتقاء داده است. بهره‌گیری از دیدگاه‌های فلسفی شهید مطهری در ترکیب با مسائل اجتماعی معاصر، جنبه‌ای نوآورانه به مقاله بخشیده است.

۳. امکان و ابزار معرفت

برخی از متفکران یونان باستان بر این باورند که انسان نمی‌تواند واقعیات را بشناسد و حتی در برابر واقعیات باید کلمه نمی‌دانم را بر زبان جاری سازد (مکتب لادریگری). شکاکان باستان هم از جمله کسانی هستند که دلایل بسیاری را برای نفی امکان شناخت ارائه داده‌اند (ژیلسون، ۱۳۷۳: ۷۵-۴۷). استاد مطهری با پذیرش احتمال وقوع خطا در حواس و عقل، به بررسی آن دو ابزار پرداخته است. از دیدگاه ایشان، انسان تا به یقین دست نیابد، قادر به درک خطای خود نخواهد بود. آگاهی فرد از وقوع اشتباه در حواس خود، نشان‌دهنده دستیابی به حقیقت است؛ درواقع، امکان سخن گفتن از خطا، تنها با رسیدن به حقیقت فراهم می‌شود. ایشان، همانند بسیاری از معرفت‌شناسان، معتقد است که ادراکات انسان نه همگی صحیح‌اند و نه همگی نادرست، بلکه برخی از آن‌ها درست و برخی دیگر ناصحیح‌اند. برای بررسی خطای ادراکات، باید معیار مناسبی را جست‌وجو کرد که به کمک آن بتوان خطاهای موجود را شناسایی و اصلاح نمود. منطق، ابزاری است که امکان تمایز شناخت صحیح از شناخت ناصحیح را فراهم می‌سازد. البته منطق به بررسی شکل شناخت می‌پردازد، اما بر این نکته نیز تأکید دارد که بسیاری از خطاها به محتوای شناخت مرتبط‌اند، نه به شکل آن (مطهری، ۱۳۷۱: ۵۵). بنابراین استاد با رد شکاکیت مطلق، بر امکان شناخت تأکید دارد و منطق را ابزار تشخیص حقیقت از خطا می‌داند؛ اما می‌توان نقد کرد که شناخت صرفاً منطقی کافی نیست و نیازمند بررسی‌های تجربی نیز هست.

۴. عوامل مؤثر بر باور دینی و دین‌گریزی

یکی از مباحث مهمی که امروزه در حوزه معرفت‌شناسی مطرح است، میزان تأثیر عوامل مختلف بر باور انسان است که این عوامل به دو دسته معرفتی و غیر معرفتی تقسیم می‌شوند. این تأثیر، می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. در بخش تأثیرات مثبت عوامل غیر معرفتی، تنها یک عامل در آثار استاد آمده است، ولی استاد مطهری به جهت اهمیت موضوع و بررسی علل دین‌گریزی جوانان و عدم شکل‌گیری باورهای دینی راستین در بخش عوامل غیر معرفتی دارای تأثیر منفی، که با عنوان علل گرایش به مادی‌گری آورده شده، توجه ویژه‌ای

۳۷ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی ...

داشته‌اند. در بخش علل معرفتی، دلایل عقلی‌ای که فرد می‌تواند برای گریز خود از باور دینی داشته باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش عوامل غیر معرفتی، عواملی که سبب رویگردانی یا اقبال فرد به باور دینی شده است، هرچند که برای این عوامل دلیل عقلی نداشته باشد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۱. علل معرفتی مؤثر بر عدم شکل‌گیری باور دینی

علل معرفتی پذیرش و یا همان عللی که فرد در آن‌ها برای عدم پذیرش یک دین، دلایل عقلی می‌آورد که دین توان پاسخ‌گویی به آن‌ها را ندارد، تحت چند مورد در آثار استاد آمده است که عبارتند از:

۴-۱-۱. ناقص بودن دین

اگر دینی نتواند به انتظارات پیروان خود پاسخ مناسب دهد و نیازهای دینی آنان را برآورده سازد، به‌طور طبیعی افراد به دنبال دین، مکتب یا تفکری خواهند بود که بتواند این کمبود را جبران کند. بنابراین، در صورتی که یک دین از تحقق وعده‌هایش بازماند یا نتواند خواسته‌های پیروانش را تأمین کند، هر فرد خردمندی از آن فاصله خواهد گرفت. دلیل اصلی کنار گذاشته شدن ادیان گذشته و افول مکاتب و مذاهب ناکارآمد را باید در همین امر یافت. همچنین، پایداری و بقای یک دین نیز به توانایی آن در تأمین نیازها و برطرف کردن دغدغه‌های پیروان خود وابسته است. شهید مطهری می‌گوید: «القسر لایدوم»، اگر قرآن نیازهای بشر را برنمی‌آورد، در همان ابتدای امر از بین رفته بود. با توجه به عوض شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی باید از قرآن هم اثری نباشد این قدر نژادهایی از بین رفت نژادهایی روی کار آمد آن قدرت رفت این قدرت آمد هزاران جریان شد ولی قرآن خودش باقی ماند آن هم نه با کمک یک نیروی خارجی، بلکه نیروی قرآن همان نیروی حقیقت قرآن است. همان انطباقش با نیازهای بشر است آن خصلت نیاز برآوری است (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۷۰). استاد شهید این مطلب را با استدلال به این منطق قرآنی اثبات می‌نماید که می‌فرماید: «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا

۳۸ «فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای معرفت‌شناختی»، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (رعد/۱۷). برای حق و باطل مثال می‌زند که باطل مثل آن کف به زودی نابود می‌شود و اما حق همانند آن آب و فلز که به خیر و منفعت مردم است در زمین درنگ می‌کند. قرآن حق را به آب تشبیه کرده و باطل را به کف‌های روی آب، که کف‌ها از بین می‌رود و آنچه سودمند است باقی می‌ماند. پس حق و قرآن و دین چون سودمند است و برآورنده نیاز مردم است باقی می‌ماند. قرآن مجید بر همین مبنا استدلال کرد، و مدعی است که دین کامل، اسلام است. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳) «امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم» که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹) «همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است». در قرآن همه آنچه مردم به آن نیاز دارند موجود می‌باشد: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۱۶) «و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند». راز پویائی، ماندگاری، بالندگی و شکوه اسلام و تمدن اسلامی بعد از هزار سال را باید در همان حقیقت کامل و بی‌نقص دین ارزیابی کرد. به علت اهمیت همین موضوع در گریزدادن مردم از دین است که دشمنان و مخالفان دین به شکل‌ها و روش‌های گوناگون سعی در القای شبهه عدم تکامل و جواب‌گویی دین را دارند: در نتیجه، اگر فردی به هر طریقی احساس کند یا حتی به اشتباه گمان برد که یک دین ناقص است و نمی‌تواند به تمامی نیازهایی که از یک دین انتظار می‌رود پاسخ دهد، به تدریج از آن فاصله می‌گیرد. این موضوع یکی از پایه‌های اصلی گرایش به دین‌گریزی است. دشمنان نیز با ایجاد شبهات و ترویج تفکرات متزلزل‌کننده تلاش می‌کنند این باور را تضعیف کرده و پیروان را از دین دور سازند. بنابراین، القای ناکارآمدی و عدم توانایی دین در پاسخ‌گویی به نیازها می‌تواند یکی از دلایل دین‌گریزی در برخی افراد باشد (مطهری، ۱۳۷۵: ۷۲-۹۲). لذا پویایی و جاودانگی اسلام به دلیل پاسخ‌گویی به نیازهای بشر تأکید دارد و نشان می‌دهد که دین‌گریزی بیشتر ناشی از شبهات و عدم درک صحیح تعالیم دینی است.

۴-۱-۲. نارسایی مفاهیم و معارف دینی

اگر دینی که در صدد بیان صحیح هر چیزی است و می‌خواهد به پیروانش جهان‌بینی

۳۹ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و ...

صحیح و شیوة زیست درست را یاد دهد به بیان مطالبی که عقل سلیم از پذیرش آن ابا دارد پردازد یا به تناقض‌گویی دچار آید که برخلاف کلمات دیگرش سخن گوید قطعاً انسان‌های اندیشمند چنین مطالبی را نخواهند پذیرفت و شروع به پرسش و ایراد و اشکال خواهند کرد و در صورت قانع نشدن، از چنین دینی رویگردان خواهند گشت. نارسایی معارف چه از ذات دین برخاسته باشد و چه توسط دیگران برایش تحمیل شده باشد همان اثر را خواهد داشت. دین مسیحیت بعنوان یکی از بزرگترین ادیان جهان بخاطر نارسایی مفاهیم الهی‌اش باعث تردید و خروج بسیاری از پیروانش از حیطه دین‌داری گشته است. موریس بوکای می‌نویسد: «در مورد عهد عتیق نیازی بود از کتاب نخست آن یعنی سفر پیدایش پا فراتر نهم، تا به تأکیدی آشتی‌ناپذیر و غیرقابل توجه با معلومات قطعی علمی روبرو شوم» (بوکای، ۱۳۵۷: ۳۴). شهید مطهری (ره) در کتاب علل مادی‌گرایی می‌نویسد: کلیسا، هم به دلیل ارائه مفاهیم ناکافی و نادرست در مباحث الهیات و هم به واسطه رفتار غیرانسانی خود با عموم مردم، به‌ویژه طبقه دانشمند و آزاداندیش، نقش مهمی در گرایش جهان مسیحی و به‌طور غیرمستقیم دیگر جوامع به مادی‌گرایی ایفا کرده است. در دوران قرون وسطی، هنگامی که مسئله خدا به دست کشیش‌ها سپرده شد، مجموعه‌ای از مفاهیم ابتدایی و ناپخته در مورد خدا شکل گرفت که با حقیقت هماهنگی نداشت و طبیعتاً افراد هوشمند و خردمند را نه تنها قانع نمی‌کرد، بلکه از این مفاهیم بیزار می‌ساخت و آن‌ها را علیه آموزه‌های الهی برمی‌انگیخت. خدا توسط کلیسا تبدیل انسانی در قالب بشری شد که افراد نیز، تحت تأثیر چنین تعلیماتی، از کودکی خدا را با چنین تصورات انسانی و مادی در ذهن خود پرورش دادند. با پیشرفت دانش، این افراد متوجه شدند که این تصورات با اصول علمی و عقلی سازگار نیست. از سوی دیگر، عموم مردم که توان نقد عمیق نداشتند، نتوانستند تفکیک کنند که اشکال ممکن است از تفسیر کلیسایی باشد، نه اصل حقیقت. در نتیجه، بسیاری اصل این مفاهیم را به کلی انکار کردند (مطهری، ۱۳۷۵c: ۹۵). استاد شهید از آقای والتر اُسکار لندبرگ مطلبی را نقل می‌کند که قسمتی از آن چنین است: «فکر انسان همیشه تحت تأثیر توهمات قرار دارد ... در بسیاری از خانواده‌های مسیحی، کودکان در سال‌های اولیه زندگی به تصویری از خدا باور پیدا می‌کن (مطهری، ۱۳۷۵c: ۷۲ و ۷۴). ند که شبیه انسان است، گویی انسان به صورت خدا آفریده شده است. این افراد، وقتی

وارد فضای علمی می‌شوند و به مطالعه و بررسی مسائل علمی می‌پردازند، درمی‌یابند که این تصویر انسان گونه و محدود از خدا با منطق و علم سازگاری ندارد. در نتیجه، پس از مدتی به سبب ناسازگاری ظاهری بین این دو، مفهوم خدا نیز از ذهن آن‌ها کنار گذاشته شده و از دایره تفکرشان خارج می‌شود. دلیل اصلی این فرآیند آن است که استدلال‌های منطقی و یافته‌های علمی نمی‌توانند باورهای قبلی این افراد را اصلاح کنند. احساس اشتباهی که در ایمان پیشین خود تجربه می‌کنند، موجب می‌شود که از نقص این تصویر نگران شوند و از مسیر خداشناسی فاصله بگیرند. استاد مطهری (ره) از فلاسفه یونان از کتاب «خدا در طبیعت» نقل کرده می‌گوید: «کلیسا به این شکل خدا را معرفی کرد که در چشم راستش تا چشم چپش، شش هزار فرسخ فاصله دارد» (فلاسفه یونان، ۱۳۰۶: ۱۲۷). واضح است که افرادی که حتی دارای دانش کمی هستند، نمی‌توانند به چنین موجودی ایمان بیاورند. استاد در ادامه به تحلیل برداشت نادرست «اگوست کنت» از مفهوم خدا می‌پردازد. او بیان می‌کند که بر اساس تعالیم مسیحیت، خدا به عنوان پدر طبیعت شناخته می‌شود و تنها علل ناشناخته را به خدا نسبت می‌دهند. کنت معتقد است که با پیشرفت علم، نقش خدا به عنوان پدر طبیعت به تدریج کاهش یافته و او را به جایگاه انزوا سوق داده است، هر چند خدمات موقت او مورد قدردانی قرار گرفته است. شهید مطهری با بررسی این دیدگاه نتیجه می‌گیرد که از نظر کنت، خدا چیزی مشابه یک جزء از جهان و عاملی در کنار دیگر عوامل طبیعت است، اما به صورت ناشناخته و اسرارآمیز. به بیان دیگر، پدیده‌های جهان به دو دسته تقسیم می‌شوند: شناخته‌شده و ناشناخته. هر پدیده‌ای که ناشناخته باشد به آن عامل اسرارآمیز نسبت داده می‌شود. بدیهی است که با کشف پدیده‌های جدید از طریق علم، نقش و حوزه تأثیر این عامل ناشناخته کمتر می‌شود. این نوع نگرش نه تنها مختص کنت بوده بلکه بازتاب تفکرات محیط و دوران او نیز محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۵۷: ۸۴). آنچه نقل شد تنها یک نمونه از این مفاهیم نارسا بود، پس عرضه مطالب غیر قابل پذیرش برای عقل انسانی از علل دین‌گریزی است. استاد مطهری، نارسائی مفاهیم فلسفی غرب را نیز از بزرگ‌ترین عوامل دین‌گریزی اندیشمندان غرب می‌داند که بخاطر عدم حل مسئله واجب‌الوجود دین را کنار گذاشته‌اند. کسی که در جستجوی معنای زندگی است، اگر احساس کند دین در فلسفه و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد به تدریج آن را

۴۱ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و ...

کنار می‌گذارد و چه بسا آن را امری زاید و بی‌فایده انگاشته، از آن گریزان می‌شود (شاکرین، ۱۳۸۵: ۲۵۰-۲۴۸). استاد مطهری بر نارسایی مفاهیم دینی در دین‌گزینی تأکید دارد و نقدی بر آموزه‌های کلیسا ارائه می‌دهد، عرضه مفاهیم نادرست و ناسازگار با عقل، یکی از عوامل اصلی دین‌گزینی است، زیرا افراد اندیشمند در مواجهه با چنین آموزه‌هایی دچار تردید شده و در صورت نیافتن پاسخ قانع‌کننده، از دین فاصله می‌گیرند.

۴-۲. عوامل غیر معرفتی مؤثر بر عدم شکل‌گیری باور دینی

مقصود از عوامل غیر معرفتی، شناخت عوامل و موانعی است که بر دین‌داری مردم تأثیر می‌گذارد. گاهی علت اعراض از دین و یا اقبال به دین، به اصل دین مربوط نمی‌شود، بلکه عواملی که برای آن‌ها دلیل عقلی نمی‌توان آورد، سبب این امر می‌گردند. مانند عوامل روانی یا اجتماعی که سبب می‌شوند تا فرد از دینی اعراض و یا به آن اقبال کند. شهید مطهری بیش از هر موضوع دیگری، علاقه‌مند بود که بداند چه علل و عواملی و چه آفاتی انسان و به خصوص جوانان را از دین دور می‌کند.

۴-۲-۱. سخت‌گیری در دین

اگر دین در دستورهای خود سخت‌گیری زیادی داشته باشد که عمل به آن‌ها برای مردم دشوار شود، به‌زودی افراد خسته و ناامید از آن فاصله خواهند گرفت. البته این که انتظار داشته باشیم هیچ‌گونه سختی، امر و نهی، دستور و تکلیفی در دین نباشد، غیرمتعارف است. چرا که اگر امر و نهی و تکلیفی نباشد نمی‌توان اسم آن را دین گذاشت و چنین دینی نمی‌تواند مردم را هدایت کند. دین برای رسیدن به سعادت، باید به اموری دستور دهد و از برخی کارها نهی کند. اما به هر حال اگر این دستورات بیش از اندازه طاقت مردم باشد باعث گریز مردم از دین خواهد شد (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۸۳). این که دین نباید سخت‌گیری بیش از حد معقول داشته باشد مطلبی است که مورد قبول هر صاحب وجدان سلیم و عقل سالم است اما عده‌ای از این مطلب سوء استفاده کرده و به بهانه ضرورت سهل و آسان بودن دین و عدم سخت‌گیری بی‌جا، سعی در القای ممنوعیت هر نوع محدودیت و

۴۲ «فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی»، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

تکلیف و امر و نهی دین داشتند. درست بر خلاف گروهی که به سخت‌گیری و خشونت افراطی گرفتار شدند، این گروه نیز به تفریط خطرناکی دچار شده‌اند که به فساد و آزادی‌های نامشروع منتهی می‌گردد. و هر دو جهت این قضیه افراط و تفریط در مورد تساهل یا عدم تساهل دینی برای آئین اسلام خطرناک است؛ نمونه تاریخی خشونت افراط‌آمیز، جریان خوارج است که با افراط‌های جاهلانه، خود را به هلاکت افکندند و خسارت جبران‌ناپذیری همچون شهادت مولی متقیان را بر اسلام وارد ساختند. نمونه تاریخی تفریط بطور بسیار گسترده در دنیای غرب روی داد که در مقابل افراط در خشونت طولانی کلیسا، به آزادی کامل روی آوردند، به تساهل مطلق گرفتار شدند و معضلاتی برای جوامع خود آفریدند که با هیچ تفکر و علم و روشی نمی‌تواند آثار هلاکت بار اشتباه خود را بزدايند (بریه، ۱۳۷۷: ۲۸۴-۲۸۲). در دین مقدس اسلام هم، دین سهل و قابل عمل و غیر سخت‌گیر معرفی شده و به اخلاق و گذشت و تبلیغ جذّاب دستور داده شده تا باعث جذب مردم گردد و یک اصل مورد عمل در سیره بزرگان دینی از معصومان تا به حال بر این اساس تکیه داشته است. اجبار، خشونت و سخت‌گیری پیامدهای بسیار ناگواری دارد که لجاجت، پنهان‌کاری، دروغ و انتقام، تنها بخشی از نتایج سوء این عامل هستند. خشونت دیدگان بیشتر از دیگران دگرآزاری می‌کنند، بیشتر انتقام می‌گیرند و با رغبت بیشتری هنجارشکنی می‌کنند (بریه، ۱۳۷۷: ۱۵۲). جامعه‌شناسان نیز اجبار و لزوم نهفته در هنجارهای آتی را زمینه‌ساز ناسازگاری و هنجارشکنی عده‌ای می‌دانند (آیزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۱۱). نوع دیگری از سخت‌گیری دینی وجود دارد که برخاسته از ماهیت دین نیست بلکه مربوط به عملکرد دین‌داران و متولیان امور دینی است. در این باره نیز قرآن به پیامبر(ص) که اولین متوّلّی دین و معجری آن بود، دستور می‌دهد که با نرمی و عطف و اخلاق خوش با مردم مدارا کند، خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۸۹) «اگر تو سخت‌گیر و خشن بودی هر آینه از گرد تو می‌گریختند». آیات زیادی در قرآن دستور داده است به صبر، مهربانی، حلم، مدارا، عفو، گذشت، اغماض، استغفار، جدال با احسن، سخن نیکو و ... که همگی جهت جلوگیری از خشونت و نفی سخت‌گیری‌های بی‌مورد است. گفتنی است پایداری و جدّیت در حفظ پایه و اصول دینی

بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و... ۴۳

مسئله‌ای است که بقای دین متوقف بر آن است و هرگونه سستی در این مطلب موجب تزلزل و زوال یا انحراف از اصل دین خواهد شد و در همه ادیان و مکاتب، اصلی مسلم است، بنابراین خطای اصلی کلیسا در دو مورد بود؛ یکی این که کلیسا پاره‌ای از نظریات علمی فلاسفه و کلامیون مسیحی را به منزله اصول مذهبی قرار داد و مخالفت با آن‌ها را موجب ارتداد بود؛ نهاد کلیسا علاوه بر عقاید مذهبی مخصوص به خود، یک سلسله اصول علمی و فلسفی مرتبط با جهان و انسان که علمای بزرگ مسیحیت آن را قبول کرده بودند را هم ردیف اصول عقاید مذهبی قرار داد و به شدت با مخالفان آن عقاید مقابله کرد. بر خلاف مسیحیت که اصول دین را برای عقل در منطقه ممنوعه اعلام کرده است، در اسلام اصول دین باید تحقیقی باشد نه تقلیدی و این اصلی است که اسلام طرفدار آن است (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۵). دیگر این که به این امر اکتفا نمی‌شد که اگر ارتداد کسی محرز شد، از جامعه طرد شود، بلکه علاوه بر این در صدد بود تا با کنکاش زیاد، کوچکترین نشانه‌ای از مخالفت با عقاید مذهبی را پیدا کند و همین امر سبب شد تا این فشار شدید بر اندیشه‌ها که از قرن ۱۲ تا ۱۹ در کشورهای فرانسه، انگلستان، آلمان، هلند، پرتغال، لهستان و اسپانیا معمول بود، عکس‌العمل بسیار بدی نسبت به دین و مذهب بطور کلی ایجاد شود (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۸). استاد شهید بعد از استناد به چند مطلب در مورد چگونگی شکنجه و اعدام و کشف مظنونین توسط کلیسا چنین می‌نویسد: «مذهب که می‌بایست دلیل هدایت و پیام‌آور محبت باشد، در اروپا به این صورت درآمد که مشاهده می‌کنیم، تصوّر هرکس از دین و خدا و مذهب، خشونت بود و اختناق و استبداد. بدیهی است که عکس‌العمل مردم در مقابل چنین روشی جز نفی مذهب از اساس و نفی آن چیزی که پایه اوّلی مذهب است، یعنی خدا، نمی‌توانست باشد. هر وقت و هر زمان که پیشوایان مذهبی مردم متوسّل به تکفیر و تفسیق می‌شوند. مخصوصاً هنگامی که اغراض خصوصی به این صورت درمی‌آید، بزرگترین ضربت بر پیکر دین و مذهب به سود مادی‌گری وارد می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۵: ۹۰). افراط و تفریط در سخت‌گیری دینی، چه به شکل خشونت افراطی و چه تساهل بی‌حد، می‌تواند موجب فاصله گرفتن مردم از دین شود. اسلام با تأکید بر اعتدال، اخلاق و استدلال عقلی، الگویی متعادل برای هدایت دینی ارائه می‌دهد.

۴-۲-۲. محیط اخلاقی و اجتماعی نامناسب

هر فکر و اندیشه‌ای برای این که رشد کند، زمینه روحی و اجتماعی مساعد می‌خواهد ولی تأثیر جو اجتماعی بر روی عقاید غیر مستقیم است. به این صورت که جو اجتماعی بر روی جو روحی تأثیر می‌گذارد و جو روحی بر روی اندیشه‌ای خاص اثر می‌گذارد. به همین جهت است که در اسلام به اصلاح محیط اجتماعی اهتمام زیادی شده است، چرا که برای رسوخ اندیشه‌ای در مردم زمینه اخلاقی و عملی آن فراهم می‌آورند و برای فراهم آوردن این زمینه، محیط اجتماعی را آماده می‌سازند و از نظر استاد اخلاق نامناسب و یا به عبارت دیگر گناه، بر روی روح و جان اثر می‌گذارد و سیه‌دلی بر فکر و باور اثر می‌بخشد. او در کتاب علل گرایش به مادی‌گری همین مفاسد اخلاقی ذکر می‌کند و می‌گوید: «وقتی جامعه‌ای در مسیر فساد اخلاقی می‌افتد، فساد اخلاقی زمینه اعراض او را از دین فراهم می‌کند، چرا که دین را مزاحم تمنیات خود می‌بیند. آدمی روح لطیفی دارد و زود تحت تأثیر قرار می‌گیرد و همان طور که گناه تأثیر منفی بر انسان دارد، تقوا نقطه مقابل آن است (خامنه‌ای، ۱۳۵۳)، مقام معظم رهبری نیز در این زمینه بیان می‌دارند: یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای بندی‌های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در "اندلس" کردند؛ جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت‌رانی و می‌گساری، این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ۳). به بیان استاد مطهری، تاریخ بشر نشان می‌دهد که هرگاه قدرت‌های حاکم بخواهند جامعه‌ای را تحت سلطه خود قرار دهند، تلاش می‌کنند تا روح جامعه را فاسد کنند و برای این منظور تسهیلات شهوت رانی را زیاد می‌کنند، چرا که دلی که فاسد شد، دیگر از عقل کاری بر نمی‌آید و در هر مسأله‌ای تا انسان خود را از شر اغراض رها نکند، نمی‌تواند صحیح فکر کند. اصرار بر گناه نیز تدریجاً انسان را به حالت مسخ شده در می‌آورد چرا که روح بر عمل تأثیر می‌گذارد» (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۰۰-۲۱۱). اندیشه و باورهای دینی در بستری از محیط اجتماعی و اخلاقی مناسب رشد می‌کنند، در حالی که فساد اخلاقی می‌تواند زمینه دوری از دین را فراهم سازد. از این رو، اصلاح جامعه و حفظ ارزش‌های اخلاقی برای پایداری ایمان و هویت فرهنگی ضروری است.

۴-۲-۳. عدم توجه به حس حقیقت جوئی و عدم ارائه پاسخ مناسب آن

بی‌توجهی به پرسش‌های پنهان، زمینه ساز دین‌گزینی است. هر نهاد اجتماعی باید به پناهگاه‌های امن پرسش‌های پنهان در لایه‌های ذهن تبدیل شود تا این نهادها امکان پاسخ‌گویی را پیدا کنند. نظام دینی نظامی است مبتنی به راه‌های سهل و قابل پیمودن، بهترین کارها آن‌اموری است که ابتدایش تکیه بر سهولت است. با توجه به اینکه انسان میل به دانستن و حقیقت‌جویی دارد، آسیبی که استاد مطهری اشاره می‌کند، عدم توجه به این حس کاوش و حقیقت‌جویی است چرا که انسان گرایش به دانستن حقیقت دارد و با پاسخ ندادن، بی‌توجهی کردن، برچسب زدن، برخورد تند کردن و وادار به سکوت کردن مخاطب، او به دنبال پیدا کردن پاسخ مناسب و تجربه کردن از طرق دیگر می‌رود (مطهری، ۱۳۶۸).

۴-۲-۴. عدم تربیت متناسب با زمانه

با توجه به تاکید حضرت علی(ع) برای تربیت فرزندان متناسب با زمانه، در این بحث استاد به این مطلب اشاره می‌کند که انسان غیر از مسأله اخلاق به یک سری امور اکتسابی به اسم مهارت هم احتیاج دارد. یعنی تلاش ما در جهت تحمیل آداب و سنن زمان خویش به نسل بعد، بدون توجه به تغییرات زمانه، سبب جمود، انکار و سرکشی جوانان می‌شود. درحالی که مقتضیات زمان، آداب را عوض می‌کند؛ یعنی شکل بروز و ظهورش را متفاوت می‌کند. البته اقتضای زمان را با پسند مردم نباید اشتباه گرفت. حاجت‌های اولیه بشر ثابت است و حاجت‌های ثانویه انسان که وسیله رسیدن به حاجت‌های اولیه هستند، متغیر است. تفسیر درست از معنای مقتضیات زمان از دیدگاه استاد به معنای حاجت‌های زمان است. انسان برای رسیدن به هدف‌های واقعی که در هر زمان باید داشته باشد، احتیاج به اموری دارد که به آن‌ها احتیاجات دوم بشر گفته می‌شود. این وسیله‌ها دائما در حال تغییر است و انسان باید به این معنا باید همراه با مقتضیات زمانش باشد و اگر بخواهد بر مبنای آداب گذشتگان حرکت کند، با روحیه و حاجات امروز او نخواهد بود و سبب کسالت روح او در نهایت رها کردن این آداب می‌شود در زمینه مسایل دینی هم اگر بخواهیم انسان‌ها را

بر مبنای همان قواعد ثانویه گذشتگان تربیت کنیم، موجب گریز آنان از دین خواهد شد؛ به طور مثال اگر قوانینی از فقه که می‌توانند به روز شوند، با توجه به نیازهای زمان به روزآوری نشوند، سبب دل زدگی خواهد شد (مطهری، ۱۳۷۵ع: ۲۲۵) و نادیده گرفتن تغییرات زمانه و تحمیل آداب گذشته بدون تطبیق با نیازهای جدید، باعث انکار و گریز نسل جوان از ارزش‌ها می‌شود؛ بنابراین، فهم درست از مقتضیات زمان، لازمه حفظ پویایی و تأثیرگذاری آموزه‌های دینی است.

۴-۲-۵. سرکوب کردن غرایز

قوا و غرایز انسان به دلیل و حکمتی در وجود انسان نهاده شده‌اند و در تربیت یک انسان باید غرایز و قوای فرد در حد طبیعی مورد توجه قرار گیرد و برآورده شود اما متأسفانه بعضی از متولیان امر تربیت به این موضوع تفتن نداشته و نمی‌دانند که در تربیت تمامی قوایی که در وجود انسان است، بنابر مصلحتی است و باید به تمامی نیازهای انسان توجه کرده و آن را در حد طبیعی اشباع کنیم. مثلاً احتیاج به بازی کردن از حکمت‌های خداوند است و باید این نیاز در وجود کودکان به اشباع برسد و در نتیجه برآورده شدن احتیاجات طبیعی منجر به نوعی تراکم و واکنش یا همان مکانیزم طرد می‌شود که امروزه هم شاهد هستیم. انسان دارای غرائز متعددی است، قوه عاقله، قوه شهوانی، قوه غضبیه. ما باید به این غرائز نظام بدهیم به این معنا که تمام غرائز تحت حکومت قوه عقل مدیریت شوند. پس تمام غرائز سهمی دارند و نباید آن‌ها را سرکوب کرد، حال اگر رسیدگی به این غرائز به معنای بدبختی در آخرت تلقی شود و به انسان چنین آموزش داده شود که از بین بدبختی دنیا و آخرت یکی را باید انتخاب کنید، سبب دلزدگی از دین و باورهای دینی می‌شود و این تعلیمات خلاف باعث شده است تا مردم خداشناسی را مستلزم بدبختی این جهانی پندارند و به سراغ باورهای غیر دینی بروند (مطهری، ۱۳۷۵ع: ۲۳۱). نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های طبیعی مردم می‌تواند موجب دوری آن‌ها از دین شود، در حالی که در فلسفه اسلامی، مسئولیت‌پذیری حاکم در برابر مردم امری ضروری تلقی شده است.

۴-۲-۶. کاستی‌های مفاهیم اجتماعی و سیاسی

در تاریخ فلسفه سیاسی غرب، مفاهیم اجتماعی و سیاسی خاصی مطرح شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بحث حقوق طبیعی و حق حاکمیت ملی است. برخی از اندیشمندان در این زمینه به حمایت از استبداد سیاسی پرداخته‌اند و برای توده مردم هیچ حقی در برابر حکمران قائل نبوده‌اند. طبق این دیدگاه‌ها، مردم فقط موظف به اطاعت از حکمران بودند و هیچ‌گونه حق پرسش از وی نداشتند. این گروه استدلال می‌کردند که حکمران تنها در برابر خداوند مسئول است و نه در برابر مردم. به عبارت دیگر، مردم نمی‌توانند حکمران را بازخواست کنند و تنها خداوند است که می‌تواند از او سؤال کند. این تفکر به نوعی پیوند نزدیکی میان اعتقاد به خدا و اطاعت از حکمران ایجاد می‌کند، به طوری که حق حاکمیت ملی و بی‌اعتقادی به خدا به‌طور طبیعی با هم در تضاد قرار می‌گیرند. در مقابل، در فلسفه اجتماعی اسلامی، اعتقاد به خدا نه تنها به معنای پذیرش حکومت استبدادی نیست، بلکه باعث می‌شود که حاکم در برابر مردم پاسخگو باشد. در این دیدگاه، تنها اعتقاد به خداست که حکمران را در برابر مردم مسئول می‌کند. در این زمینه استاد نمونه‌ای از خطبه ۲۰۷ امام علی (ع) می‌آورد که در آن جا حضرت حق را متبادل می‌دانند یعنی هر کس از حقی بهره‌مند شود مسئولیتی در قبال آن خواهد داشت. پر واضح است که عدم اجازه به افراد مبنی بر استفاده از آزادی طبیعی و خدادادی خویش، نتیجه‌ای جز گریزانیدن افراد از دین و سوق دادن آن‌ها به سوی ضدیت با مذهب محصولی نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۳۱).

۴-۲-۷. مبلغان غیر متخصص

مسائل دینی خصوصاً قسمت‌های معرفتی از جمله پیچیده‌ترین مسائل علمی است که هر کسی شایستگی اظهار نظر در مورد آن را ندارد. اما متأسفانه اظهار نظر غیر متخصصین سبب، بیزاری مردم از دین می‌گردد. نقش منفی مهم‌تر متولیان دین، تحمیل عقاید به صورت زور و اجبار است. از نظر استاد، زمانی که رهبران مذهبی به استفاده از تهمت‌زدن و تهدید برای دستیابی به اهداف خود روی می‌آورند، به‌ویژه اگر این اقدامات از انگیزه‌های شخصی و منافع فردی نشأت گیرد، زیان بزرگی به اعتبار دین وارد می‌شود. این رفتارها

می‌توانند زمینه‌ساز تقویت گرایش‌های مادی‌گرایانه و تضعیف ارزش‌های معنوی شوند. در جایی دیگر استاد به این مطلب اشاره می‌کند که از نظر روان‌شناسی یکی از دلایل عقب‌نشینی مذهبی این است که مبلغان و سران یک مذهب، تصور کنند که بین اصول دینی و نیازهای بنیادین انسان تضاد وجود دارد. این مشکل به‌ویژه زمانی ایجاد می‌شود که این نیازها به‌طور گسترده و آشکار در جامعه مطرح شوند. همانند این که کلیسا در زمانی که مردم حق حاکمیت را از آن خود می‌دانستند، این فکر را القا می‌کرد که مردم در زمینه حکومت فقط وظیفه دارند و صاحب هیچ حقی نیستند و همین امر سبب نفرت عده‌ای از دین و کلیسا گردید (مطهری، ۱۳۶۵b: ۱۲۰-مطهری، ۱۳۷۸: ۳۳۵). مسأله تبلیغ، به همان معنای صحیح و واقعی، رساندن و شناساندن یک پیام به مردم است. رساندن پیام اسلوب و روش درست می‌خواهد تنها روش درست است که موفقیت‌آمیز خواهد بود و اگر عکس این روش باشد، نتیجه معکوس خواهد بود. کسی که می‌خواهد مبلغ باشد باید بلاغ‌مبین داشته باشد یعنی بی‌پرده حرف بزند و خیرخواه مردم باشد و خودش عامل به آن باشد. همچنین باید نرمش در سخن داشته باشد و از خشونت پرهیزد (مطهری، ۱۳۶۵b: ۳۴۲). تحمیل عقاید و تبلیغ نادرست، به‌جای تقویت ایمان، موجب دین‌گریزی می‌شود؛ در حالی که تبلیغ مؤثر نیازمند صداقت، نرمش و رعایت اصول صحیح است.

۴-۲-۸. عالمان دینی بی‌عمل

الگوهای دینی باید با دقت و مسئولیت بیشتر در زمینه تربیت نسل جدید، دقیق‌تر عمل کنند و به نسل جوان، دین اصیل بدون تکیه بر افراد و صرفاً براساس عقل، قرآن و سیره معصومین را آموزش دهند تا با فرو ریختن و یا ریزش یک‌الگو، جوانان این را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد (عباسی، ۱۳۸۶: ش ۱۱۶). جوانان نه تنها رفتار خود مربی و مدعیان دینی را به دقت می‌نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگاه نزدیک او را نیز می‌کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلم دینی حمل می‌کنند. بدین روی، مربی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهتمامی ویژه بورزد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند، قرآن نیز تأکید

۴۹ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و... ۴۹

ویژه‌ای بر توجه ویژه‌ای به هدایت نزدیکان دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیان رسالت را از نزدیکان خود آغاز کرد و سپس به دیگران توسعه داد (ساجدی، ۱۳۸۴: ۲۳۷). عمل نکردن به اعتقادات دینی از سوی معتقدان، عاملی دیگر برای عوامل غیر معرفتی دین‌گزینی است. که استاد مطهری آن را در قالب عدم تحرک و عافیت طلبی ذکر کرده است که ما با اندکی توسع، تحت این نام می‌آوریم، این موضوع سبب شده است تا افراد با دیدن افرادی که به دین عمل نمی‌کنند و در عین حال از متولیان دین هستند، به این نتیجه برسند که دین در زندگی عملی انسان تأثیری ندارد و یک سری آموزه‌هایی است که کاربردی نیست و نمی‌توان آن‌ها را در زندگی به کار بست و فقط برای انجام بعضی از مناسک فردی دین را باید به کار بست. که این مورد سبب شده تا مردم به گمان این که اعتقادات دینی تأثیری در زندگی اجتماعی و فردی آدمی ندارد، به سراغ جاذبه‌های دیگر بروند و با خود فکر کنند که ما در این جهان به دنبال امری هستیم که اثری در زندگی ما داشته باشد نه این که فقط در جهت تنوری خوب باشد و اگر این گونه باشد، همان بهتر که به دنبال امری باشیم که اثر کاربردی در زندگی ما داشته باشد (مطهری، ۱۳۶۵b: ۱۳۲). عدم پابندی عملی متولیان دین به آموزه‌های دینی، موجب تضعیف اعتبار دین و گرایش مردم به جایگزین‌های دیگر می‌شود؛ لذا آموزش دین باید مبتنی بر عقل، قرآن و سیره معصومین باشد، نه وابسته به افراد.

۴-۲-۹. تقلید از اکثریت

بسیاری از مردم این گونه‌اند که عقاید مورد باور اجتماع، باورشان می‌شود. یعنی چیزی که در اجتماع مورد قبول قرار گرفته و یا نسل‌های گذشته آن را پذیرفته‌اند، صرفاً به دلیل این که نسل‌های گذشته و یا گروهی از اجتماع - که مورد قبول آن‌ها است - آن را پذیرفته‌اند، قبول می‌کنند. در حالی که قدمت یک اندیشه و یا مورد قبول بودن آن توسط گروهی خاص، نه دلیل غلط بودن آن است و نه دلیل بر صحت و درستی آن. استاد به نقش منفعت جمعی از دید منفی نگاه کرده و آن را تعبیر به ناسیونالیسم می‌کند به این صورت که نژاد و زبان را در تشکیل گروه مؤثر دانسته و می‌گوید مشکلات ناشی از خصوصیات نژادی،

اغلب بیش از آن که عامل ربط دهنده باشد، جدایی آفرین است (مطهری، ۱۳۶۸a: ۱۰۸). پذیرش عقاید صرفاً به دلیل مقبولیت اجتماعی یا قدمت تاریخی، بدون بررسی عقلانی، می‌تواند منجر به تعصب و تمرکز بر ویژگی‌های گروهی شود که به جای وحدت، موجب تفرقه خواهد شد.

۴-۲-۱۰. عشق و نفرت

اکسیر واقعی که نیروی تبدیل و قلب ماهیت دارد، عشق است. دو نوع عشق داریم یکی شهوانی که روح انسان را تهذیب نمی‌کند و عشق انسانی و اطاعت‌آور که موجب تزکیه نفس می‌شود. دو جنبه مثبت یا منفی که در اسلام تکیه بردوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خدا شده است که لازمه دوست داشتن حقیقت است و پیامبر نیز محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان را محبت به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خدا می‌داند. عشق مثبت و سازنده از نظر استاد عشق به اصول انسانی است که موجب تقویت شخصیت و استقلال فکری می‌شود. انسان موجودی دو کانونی است که عقل و اندیشه در آن مرکز هدایت و روشنی و قلب مرکز حرکت است. استاد هر دو را مورد تمجید قرار داده و می‌گوید اگر توافق میان این دو باشد بسیار خوب است ولی گاهی تنازع پیش می‌آید و چیزی را که عقل می‌گوید دل راضی نمی‌شود و یا دل می‌خواهد ولی عقل مصلحت نمی‌بیند. سپس چاره حل این تنازعات را تزکیه نفس می‌داند و تهذیب نفس را برای هماهنگی ساختن این دو کانون می‌داند. استاد به نقش نفرت در گریز از یک باور اشاره می‌کند که باید مطالب با مدارا بیان شود تا ایجاد نفرت نکند (مطهری، ۱۳۶۸b: ۲۸۰).

۵. راه‌های مقابله با تأثیرات منفی عوامل غیر معرفتی

استاد مطهری، راه معرفت را منحصر در راه استدلالی نمی‌داند و تزکیه نفس و تقوا را راهی برای رسیدن به باورهای صحیح می‌داند. چرا که تقوا قلب انسان را صاف می‌کند. با تقوا است که انسان به عقل خود آزادی می‌دهد. استاد مطهری به نقش مدد‌های غیبی خاصی که در زندگی بشر اتفاق می‌افتد، هم چون فراهم شدن شرایط موفقیت، الهامات و روشنی‌ها،

بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و... ۵۱

اشاره می‌کند و اتفاق افتادن این امدادها را معلول عواملی می‌داند و بیان می‌کند که؛ چنین نیست که انسان در خانه‌اش بنشیند و دست روی دست بگذارد و منتظر باشد تا دستی از غیب به یاری او بیاید.

۵-۱. آزاد کردن عقل از قیود و عادات

استاد مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، به تأثیرات منفی عوامل غیر معرفتی در زمینه تربیت انسان اشاره می‌کند و یکی از راه‌های مقابله با این موانع را آزاد کردن عقل از عادات اجتماعی می‌داند و چنین بیان می‌کند که عقل را باید از تحت حاکمیت فشارهای محیط، عرف و عادت‌های اجتماعی آزاد کرد. قرآن نیز اساس مذمتش مخصوص کسانی است که پایبند بی‌چون‌چرای تقلید و پیروی از گذشتگان خود هستند و تعقل نمی‌کنند تا وجودشان را از این اسارت آزاد بکنند. در واقع قرآن می‌خواهد افراد را بیدار کند که مقیاس و معیار تشخیص باید عقل و فکر باشد، نه صرف این که چون گذشتگان و بزرگان قوم و خانواده این چنین عمل می‌کردند، ما هم باید بدون دلیلی اینطور عمل کنیم. در واقع هیچ پیامبری مردم را دعوت به سوی خدا نکرد مگر این که، با این حرف مواجه شد که تو چرا می‌خواهی ما را از سنت‌های گذشتگان مان‌منصرف کنی. با این که اقوام پیامبران از نظر سنن با هم متفاوت بودند و هر پیامبری اشکالات و مسائل مربوط به قوم خود را مطرح می‌کرده است، ولی یک اشکال عمده و عمومی در میان پیروان همه آن‌ها بوده است و آن مشکل تقلید از گذشتگان و یا همان سنت‌گرایی بوده است. ولی پیامبران می‌خواستند تا مردم فکر کنند و عقل‌شان را بیدار کنند (مطهری، ۱۳۶۸: ۶۸). تقلید کورکورانه از گذشتگان می‌تواند مانع رشد عقلانی و تفکر مستقل شود و در نتیجه، انسان‌ها را از تحلیل صحیح مسائل و دستیابی به حقیقت بازدارد.

۵-۲. عدم پیروی از اکثریت

یکی دیگر از دستورالعمل‌ها جهت مقابله با موانع، پیروی نکردن از اکثریت است. به این معنا که انسان نباید به سبب درست انگاشتن راه اکثریت به دنبال آن‌ها برود. خداوند نیز می‌فرماید: اگر

۵۲ «فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای معرفت‌شناختی»، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

از اکثریت مردم پیروی کنی تو را از راه راست منحرف می‌کنند. به این دلیل که اکثر مردم از گمان و حدس پیروی می‌کنند و دربند عقل، علم و یقین نیستند. هرگز در راه هدایت، به دلیل این که در آن راه افراد کمی هستند، نباید سست شد و قضاوت‌های مردم نباید برای انسان ملاک باشد و این که انسان در مسائلی که مربوط به خودش است تحت تأثیر دیگران قرار بگیرد، صحیح نیست و نباید به قضاوت مردم تکیه داشت (مطهری، ۱۳۳۹: ۳۰۳).

۵-۳. تقویت حس حقیقت‌جویی

از آنجایی که براساس میل به حقیقت‌جویی و یافتن حقیقت، علم به وجود می‌آید، خداوند انسان را حقیقت‌طلب آفریده است؛ یعنی انسان فارغ از اینکه بی‌طرفی خود را نسبت به حقایق حفظ کند یا خیر، می‌خواهد حقایق را آن‌چنان که هستند درک کند. اگر انسان بتواند خودش را بدون جانبداری حفظ کند و بخواهد حقیقت را آن‌چنان که هست کشف کند، نه آن‌طوری که او می‌خواهد، در این صورت او دارای روح علمی است. یکی از اشتباهات افراد در زمینه باورهای‌شان، وارد شدن با ذهنی آکنده از پیش‌داوری‌ها است. روح علمی یعنی روح حقیقت‌جویی و بی‌تعصبی، بنابراین در تعلیم و تربیت باید به متعلم روح علمی داد یعنی روحی که خالی از تعصبات و جمودات باشد (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۸). در هر انسانی این غریزه وجود دارد که کاوش‌گر و حقیقت‌جو است و اگر این حس در جهت درست تقویت و تربیت شود، فرد سعی می‌کند تا به دنبال آن باوری باشد که صحیح‌تر به نظر می‌آید و همین تلاش نیز قابل اهمیت و توجه است.

۵-۴. تقویت اراده

امام علی (علیه‌السلام) تقوا را عاملی برای تقویت اراده و خود‌کنترلی می‌داند، که این امر نقش مهمی در ترک گناه و عادات ناپسند دارد، ایشان می‌فرمایند: بدانید که خطاکاریها همانند توسن چموش و سرکش‌اند که خطاکاران را بر آنها سوار کرده‌اند. آن اسبان لجام گسیخته به ناگاه می‌تازند و سواران خود را به آتش دوزخ سرنگون می‌کنند. و بدانید، که پرهیزگاریها همانند اسبان رام و نجیب‌اند که پرهیزگاران را بر آنها سوار کرده و افسارها به

۵۳ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و...

دست سواران داده‌اند و آن اسبان، سواران خود را به بهشت داخل می‌کنند (خطبه ۱۶، نهج‌البلاغه، ترجمه آیتی). در رابطه با تسلط بر نفس و مالکیت نفس، دستوره‌ای زیادی تحت عنوان تقوا و تزکیه نفس وجود دارد و در آن‌ها تأکید بسیاری بر تقویت اراده شده است و از جمله آثار عدم تقویت اراده، پیدایش گناه است که تأثیرات منفی گناه بر معرفت و باورهای انسان مورد توجه فیلسوفان و عارفان اعم از شرقی و غربی بوده است. (پورسینا، ۱۳۸۱: ۱۲۵). استاد مطهری متذکر می‌شود، انسان با اختیار خود، به علت عدم تقویت اراده، تحت تأثیر امیال نفسانی و شهوانی قرار گیرد و متذکر می‌شوند که این بحث تکامل تدریجی حیات، نافی اختیار انسان نیست، و در همین تکامل تدریجی، انسان می‌تواند با اختیار خود آینده‌اش را بسازد و آینده‌ای سعادت بخش و یا شقاوت آلود برای خود رقم بزند.

۶- نتیجه‌گیری

این مقاله با تحلیل آثار شهید مطهری، نشان داده است که عوامل مؤثر بر دین‌گزینی را می‌توان به دو دسته معرفتی و غیر معرفتی تقسیم کرد. عوامل معرفتی مانند توانایی دین در پاسخگویی به پرسش‌های عقلانی، نقش مهمی در جذب یا دفع افراد از دین دارند. از سوی دیگر، عوامل غیر معرفتی، مانند سخت‌گیری‌های دینی، محیط اجتماعی نامساعد، عملکرد نادرست مبلغان دینی، و عدم توجه به تربیت صحیح، می‌توانند زمینه دین‌گزینی را فراهم کنند. شهید مطهری به‌ویژه بر اهمیت شناخت عوامل غیر معرفتی تأکید دارد و معتقد است که این عوامل می‌توانند تأثیری عمیق و پایدار بر باورهای دینی افراد داشته باشند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای تقویت ایمان دینی و مقابله با دین‌گزینی، توجه به نیازهای عقلانی، اخلاقی، و اجتماعی انسان ضروری است. هم‌چنین، تربیت مبتنی بر تقوا، آزاداندیشی، و احترام به عقل و حس حقیقت‌جویی می‌تواند راهکار مؤثری برای کاهش اثرات منفی عوامل غیر معرفتی باشد. این مقاله راه را برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه تأثیر عوامل غیر معرفتی بر باور دینی باز کرده و می‌تواند به‌عنوان منبعی برای ارائه راه‌حل‌های عملی در تقویت باورهای دینی و مقابله با دین‌گزینی در جوامع معاصر مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آیزنبرگ، نانسی. (۱۳۸۴). *رفتارهای اجتماعی کودکان*، ترجمه بهار ملکی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوم.

بریه، امیل. (۱۳۷۷). *تاریخ فلسفه قرون وسطی و دوره تجدد*، ترجمه و تلخیص یحیی مهدوی، تهران: انتشارات خوارزمی. چاپ نخست.

بوکای، موریس. (۱۳۵۷). *عهدین قرآن و علم*، ترجمه حسن حبیبی، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد

پورسینا، زهرا. (۱۳۸۱). *تاثیر گناه بر معرفت*، مجله نامه مفید، شماره ۳۰.
ژیلسون، اتین. (۱۳۷۳). *نقد تفکر فلسفی غرب*، ترجمه احمدی، احمد، تهران: انتشارات حکمت، چاپ چهارم.

جلالی، رضا، محمد ترابی. (۱۳۹۵). *معرفت شناسی باور دینی از دیدگاه استاد مطهری و تاثیر آن بر نسبت دین و سیاست*، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۴، شماره ۱۵.
ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۴). *دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه‌سان؟* قم: مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی (ره).

شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی*، قم: انتشارات معارف.
شه‌گلی، احمد و کردی اردکانی، احسان. (۱۴۰۰). *نقش عوامل غیر معرفتی موثر در شکل‌گیری معرفت براساس دیدگاه ابن‌خلدون*، فصلنامه ذهن، شماره ۸۵.
عباسی، محمد. (۱۳۸۶). *عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب*، فصلنامه معرفت، شماره ۱۱۶.

فلاماریون، کامیل. (۱۳۰۶). *خدا در طبیعت*، ترجمه خسرو وارسته، تهران: انتشارات تمدن.
مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵b). *مجموعه (اصول فلسفه و روش رئالیسم)*، ج ۶، تهران: انتشارات صدرا.
همو. (۱۳۷۹). *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران: انتشارات صدرا.

۵۵ بررسی تحلیلی عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر دین‌گزینی و ...

- همو. (۱۳۷۵a). مجموعه آثار (جهان بینی الهی و مادی)، ج ۱۲، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۹۹). عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و چهارم.
- همو. (۱۳۷۱). مساله شناخت، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۷۸). حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۶۵a). شرح مبسوط منظومه، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۶۸a). آشنایی با قرآن، جلد ۱، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۶۸b). بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۶۸c). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۷۵c). مجموعه آثار (علل گرایش به مادی‌گری)، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۶۵b). سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۹۴). (ویژه نامه)، بحث گریز از ایمان (تفسیر سوره العصر)، انتشارات باقرالعلوم.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۵۳). اولین جلسه از مجموعه‌ی سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن.

URL: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30006>